

اوج گیری سیتی گوار دیولا چه درسی برای سایر باشگاه‌ها دارد



وقتی منچستر سیتی در ۱۵ دسامبر ۲۰۲۰ در خانه با نتیجه یک- یک برابر وست برومویچ متوقف شد، به نظر می رسید که این بدترین تیم تحت هدایت پپ گوار دیولا علیرغم در اختیار داشتن بازیکنان باکیفیت است. آنها نکتد ویدون خلایقیت بودند و حرکات سرریجی که زمانی پرسینگ آنها را شکل می داد، کاملاً ناپدید شده بود اما دو ماه بعد آنها با پیروزی در تمامی دیدارهای پس از آن تساوی، در صدر جدول لیگ برتر قرار داشتند و صحبت از احتمال کسب چهار گانه بود که شاید نشان می داد و سوسه شدن برای قضاوت زود هنگام و کشیده شدن به سوی داستان همیشگی فوتبال چقدر آسان است؛ اینکه وقتی افت آغاز می شود، تنها با قربانی کردن سرمربی می توان آن را متوقف کرد.

اما نباید گفت که نگرانی هادریاره سیتی در مقطع ابتدایی فصل گرموچیه بود. آنها نکتد بودند و شکست خانگی ۲- ۵ برابر لستر سیتی نشان دهنده مشکل سازگاری آنها با سیستمی تغییر یافته بود؛ استفاده از دومین هافبک عقب زمین، فشار زیادی روی کوین دی بروین گذاشته و به نامیلپس مندی و پوری نیلمانس فرصت بازی در جریان پرسینگ را داده بود. در آن زمان دو نگرانی وجود داشت، اولی این بود که آیا این همان سقوطی است که معمولاً پس از سه یا چهار سال گریانگیر مربیان می شود؟ فوتبال همیشه روی دوره های سه ساله عمل می کند و پس از آن نیاز به بازسازی برای دفع اتئروسی دارد؛ این کار ممکن است تغییر تاکتیک ها، تغییر چندین بازیکن یا جایگزینی سرمربی باشد. این موضوع دربار مربیانی مانند گوار دیولا که از سیستم پر فشار و پرسینگ شدید پیروی می کنند، صدق می کند و افت ناگهانی زمانی رخ می دهد که بازیکنان از توقعات بالا خسته شده و باورشان به پروژه را از دست می دهند.

دومین نگرانی این بود که شرایط بسیار شبیه زمانی شد که اتفاقات برای گوار دیولا در اروپا اشتباه پیش می رود. برای مدتی روندی تکراری در حد ف تیم های اواز مراحل حذفی مسابقات اروپایی وجود داشت که معمولاً از سرید شانس ی رخ می داد (بارسلونا و چلسی در ۲۰۱۲، بایرن و رئال مادرید در ۲۰۱۴ و بایرن و اتلنتیکو در ۲۰۱۶). سپس موضوع اینطور مطرح شد که تلاش های خود اوبواری جلویگیری از این اتفاق در واقع باعث شد که احتمال رخ دادن آن بیشتر شود (منچستر سیتی و لیورپول در ۲۰۱۸، منچستر سیتی و ولون در ۲۰۲۰). این احساس وجود دربار دارد و ما شاهد این ماجرا بوده ایم که با نکتد کردن بازی و کاهش قدرت و شدت پرسینگ برای حفاظت از سیتی مقابل توپ های ارسانی به پشت سر بازیکنان این تیم، آنها بسیاری از ویژگی هایی که باعث می شد تیمی قوی باشند را قربانی کرده و وزن خود را از دست می دادند.

اما سپس به لطف آمادگی خارق العاده ایلکای گوندوگان که نه به عنوان «هشت آزاد» (کلمه ای که دی بروین برای نقشی که خودش و سیلوارد در چند فصل ابتدایی حضور گوار دیولا

ایران ورزش

روزنامه ورزشی صبح ایران ● صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی ● مدیرمسئول: علی عالی ● تلفن: ۰۲۱۱۳۰۴۱۱۳۸۸۵ ● نمابر: ۰۲۱۱۱۷۳۸۴۲۷ ● سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷۰۰۰۰۰۱۳۰۰۸۸۵۰ ● انتشارات: ۵۰۵۸۸۹۲۸۸۵۴ ● امور مشترکین: ۰۰۰۰۸۸۷۲۴۸۸۵۴ ● نشانی: تهران، خیابان خرمشهر، شماره ۲۰/ صندوق پستی ۵۳۸۸-۵۸۷۵ ● چاپ: ایرانیان




@iranvarzeshi

یکشنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۰ - شماره ۶۷۳۲۲

WWW.INN.IR

info@inn.ir

عکس روز

دالاس، سیتی را به آتش کشید



کمتر کسی فکر می کرد چهارمین شکست سیتی در این برهه از فصل و جلوی تیم لیدر یونایتد ۱۰ نقره ثبت شود. بیلسا که در بازی رفت هم پپ را متوقف کرده بود، در این بازی یک نیمه کامل را ۱۰ نقره بازی کرد و حتی در نیمه دوم گل تساوی را هم از سیتی دریافت کرد اما در نهایت دالاس که گل اول بازی را زده بود، در دقیق تلف شده بازی خودش گل دوم را هم به ثمر رساند تا یک نتیجه در خشان برای آل چلو بیلسا ثبت شود.



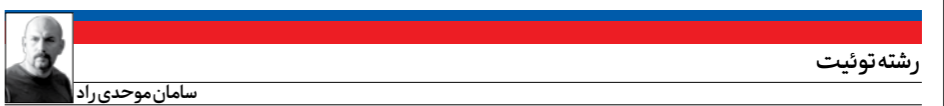
تک به تک

ستاریوی تخریب و جاهت تیم ملی

قحط الرجال در فوتبال

عضویت در تیم ملی فوتبال همواره یکی از مهم ترین و بزرگترین افتخارات بازیکنان بوده و در ویتترین میاهات شان می درخشیده. از علی کریمی و مهدی مهریو کیا که سال های سال در فوتبال اروپا درخشیده اند تا بازیکنانی که تنها سابقه بازی در لیگ برتر را در کارنامه شان دارند، پویدین پیراهن سبید یوزها را برای خود مایه سربلندی می دانند. تا چند سال گذشته هم الصاق اتیکت ملی پوش به سینه یک بازیکن، از قداس و ارزش والایی برخوردار بود اما سلسله اتفاقاتی که طی این مدت نه چندان کوتاه رخ داد، باعث شد تا چیزی از اعتبار فوتبال ایران، تیم ملی و فدراسیون آن باقی نماند.

پس از خروج کارلوس کی روش از ایران و طلوع مارک ویلموتس بر فوتبال کشور، زمینه های تخریب و جاهت تیم ملی فراهم شد تا سودجویان به انتفاع خود از پیراهن مقدس سپید بپردازند. دست کم گرفتن شان پیراهن تیم ملی توسط برخی از بازیکنان لائزرنر و جوان و تشکیل گارد تهاجمی مقابل سرمربی کروات تیم ملی توسط کایتان تیم ملی و برخی دیگر، سایر قطعات این بازی را تکمیل کرد



رشته توپیت

بحران هویتی در تیم ملی

یک استعاره بدبینانه

مجتبی خورشیدی در حالی سرپرستی تیم ملی را بر عهده گرفته که بسیاری او را یک «آخر ارجی» می دانند. یک مربی سطح دو فوتبال ایران که کارنامه در خسانی ندارد و به یکباره در شعیده بازی های فدراسیون فوتبال ایران به عنوان سرپرست تیم ملی معرفی شده. بسیار طبیعی است که انتخاب چنین چهره ای در چنین پستی محل مناقشه واقع شود. چرا که سرپرستی تیم ملی ایران آن هم در چنین مقطع حساسی بسیار مهم است. به ویژه اینکه بازی های سرنوشت ساز تیم ملی قرار است در بحرین برگزار شود. از همین آلام می دانیم که چه جوی قرار است انتظارمان را بکشد. برای همین واضح است که حضور یک چهره شناخته شده، با تجربه و آگاه به مسائل و روابط جاری در فوتبال آسیا تا چه میزان می تواند فضا را به نفع تیم ملی کند یا فشارها و خطرات احتمالی را کم کند. از این رو شاید حضور مردی که خودش را تیم معرفی می کند چندان کمکی به تیم ملی نکند؛ «من در تیم های بزرگی مربیگری کرده ام، در تیم امید راه آهن که بودم، بازیکنان بزرگی ساکرام بودند. نمی خواهم اسم بازیکنان را اردیف کنم. من به اندازه کافی در فوتبال برای خود شناخته شده هستم و بازیکنان باید در جایگاه تعریف شده خود شان با من رفتار کنند».

بدبینانه به نظر می رسد ولی شاید بتوان انتخاب خورشیدی را برای چنین پستی در چنین مقطعی استعاره ای از وضعیت تیم ملی در این موقعیت

کاریکاتور

حمید سحری



حضور در لیگ قهرمانان قطعاً چیزی فراتر از هر جام دیگری است و این را قطعاً هواداران منچستر یونایتد بهتر از هر تیم دیگری می دانند. آنها برعکس سیتی، چلسی و لیورپول نتوانستند در این لیگ دوام بیاورند و حالا مجبورند در لیگ اروپا به دنبال جام باشند.

طنزیم



هومن جعفری

حتی شبیه ما هم نیستند!

ابراهیم شکوری، معاون اجرایی باشگاه پرسپولیس، درباره زمان حل مشکل و هماهنگی این تیم برای ریز بازی به کشور میزبان گفت: «ما هم نمی دانیم اصلاً چطور این امکانات تأیید و به هند میزبانی داده شده است. من قبلاً هم گفتم، ما به کشوری می رویم که شرایط بسیار ویژه ای دارد. هند مانند قطر، امارات و حتی ایران نیست و شرایط متفاوتی دارد!»

متوجه شدید؟ ا هند حتی شبیه ایران هم نیست! یعنی از ما هم گل و بلبل تر هستند؟

خبیر را بخوانید: مصدومیت جدید فیلیپ کوتینیو به این معنی است که ملی پوش برزیلی در ادامه فصل قادر به همراهی یارسلونا نبوده و حداقل این فصل به ۱۰۰ بازی با لباس بلوگا ران نخواهد رسید.

در صورتی که کوتینیو موفق به انجام چنین کاری شود، کاتالان ها مجبورند ۲۰ میلیون یوروی دیگر به لیورپول بپردازند، زیرا یک بند پاداش بر این اساس در قرارداد دو باشگاه در سال ۲۰۱۸ گنجانده شده بود.

یعنی در خارج از مصدومیت بازیکن خودشان هم پول در می آورند اما اینجا از مصدوم شدن بازیکنان با سالم بودن شان را درخشیدن با تضعیف روحیه و تضعیف جایگاه شان در فوتبال فقط بد هکارت می شویم! اسود که تعطیل است! یک یوم ضرر! سرمربی گویا هند عنوان کرده که این تیم در صدد است تا فوتبال این کشور را به جهانیان معرفی کند. توصیه می کنیم دوستان هندی معرفی فوتبال هند را به سینمایی هند آگذا کنند. هم بهتر نتیجه می گیرند، هم یک شبه ر صد ساله می روند. دو تا قلم می سازی، سلمان خان می رود روزشگاه، اول همه بازیکنان میزبان را در ریل می زند، بعد همه حضار در روزشگاه را هم یک دل سیر مورد کتک قرار می دهد، آرش هم به جام جهانی را می دهند دستشان هم سریع تر از ما هم بر فروش تر است، هم رسیدن به عناوین جهانی در آن کاری ندارد.

پنالتی

مازیار گیلکان

ماجرای پیچیده مدیر تیم ملی

انتخاب سرپرست یا مدیر تیم ملی حتماً می توانست انتخاب هوشمندانه و دقیقی باشد اما نه وسواسی در انتخاب دیدیم و نه دقت کافی. انتقادات هم از رسیدن و پاسخ هابه انتقادات نیز قانع کننده نبودند.

در میان بحث ها و نقد ها بجا اما از یک نکته نباید غافل باشیم؛ اینکه تصور کنیم هر کدام از چهره های شناخته شده نسل های قبل فوتبال برای بست مدیر تیم ملی کیفیت مناسبی داشتند، از حرف زد بدون شناخت می آید.

حتی در میان کسانی که به عنوان نامزد این پست معرفی شده اند، هستند کسانی که شناخته شده تر هستند و چند جام هم در کارنامه مربیگری دارند اما مبرای نقش مدیر تیم ملی چندان تفاوت کیفی با مدیر انتخاب شده ندارند. اول باید دید مدیریا سرپرست تیم ملی چه نقشی دارد؟ کارش چه تعریفی دارد و وظایفش چیست؟

این وظایف در تیم ملی روشن نیستند و ما بر اساس وظایف و مسئولیت های نامعلوم بحث می کنیم. مدیر تیم ملی آیا همان سرپرست سابق است و امور اجرایی تیم را در حد پیکگیری سفر و اردو و بلیت هواپیما و هتل برعهده دارد یا یک تصمیم گیرنده است و می تواند برنامه ریزی کند و مثلاً در انتخاب اردوها و بسیاری از مسائل که وارد حیطه فنی هم می شود، نقش دارد؟

در فوتبال ایران تعریف دقیقی برای این پست وجود ندارد و البته نحوه کار مربیان نیز در مسئولیت سرپرست یا مدیر تیم تأثیر دارد. به طور مثال در دوره مربیگری کارلوس کی روش، او را می توانستیم مدیر تیم هم بدانیم، در بسیاری از تصمیمات کی روش خود در نقش مدیر تیم بود و در بسیاری موارد هم این نقش را با کیفیت مطلوبی ایفا می کرد.

اگر قرار به بازیکنی در انتخاب مدیر تیم ملی باشد - که چنین قرار ی انگار نیست- باید اول مسئولیت ها را شناخت. مساله انتخاب سرپرست تیم ملی در این مقطع حساس نیز داستان خود را دارد.

سرپرست تیم ملی می توانست شخصییتی باشد که به اسکوچچ در ایجاد کاراکتر حرفه ای بهتر کمک کند.

تیم ملی بازی های سرنوشت سازی پیش روادارد و این یک شوخی نیست.



سام ستارزاده

ناآشناها در تیم ملی، اسطوره ها در دسته اول

پارادوکس خرم آباد

دوستانه به وی دست داد، به عنوان مشاور مالک باشگاه دسته یکی خیر خرم آباد برگزیده شد، این پرسش در افکار ما شکل می گیرد که آیا علی یاد هیچ شخص، خاطره یا رویدادی در فوتبال از شکست در انتخاباتش خدشه دار تصور کرده که کار در یک باشگاه دسته یکی را به فدراسیون ترجیح داده؟ پرسش مشابهی را می توان راجع به پیشکسوتان بسیاری داشت؛ نظیر مهدی مهدوی کیا که ترجیح می دهد از طریق آکادمی کیا که اخیراً صاحب تیم در دسته سوم شده به فوتبال به وی می تازند.

بحث این نیست که علی کریمی و مهدی مهدوی کیا را برای سرپرستی تیم ملی در نظر بگیریم. اما بی شک اگر به لیست بلندبالای پیشکسوتان فوتبال مان بنگریم، افراد بسیار زیادی می توانیم با سابقه ملی بزرگتر از مجتبی خورشیدی بیابیم که از حیث تحصیلات، دانش زبان خارجه و تجربه در سطحی باشند که بتوانند کادر فنی و اتمسفر تیم ملی را زیر نظر خود داشته باشند. بهره گرفتن از نخبگان فوتبال کشور در بالاترین سطح مدیریتی آن، یه یاه دلیل اتفاق می افتد که فدراسیون نشینان نمی خواهند و یا از این رو که تصور سیاه فضای مدیریت ورزشی در کشور آنان را بی میل به این کاری کنند.

اگر حقیقت ماجرا این باشد که حرف آقای عزیزی خادم صحیح است و تمام پیشکسوتان فوتبال مان فعالیت در دسته های پایین را به کاردر فدراسیون برمی گیرند، فاجعه گریبان این فوتبال را گرفته. به هر ترتیب، بدون برگردن شکاف میان فوتبال و فوتبالی ها، فدراسیون فوتبال چه در سطح سرپرستی تیم ملی و چه در هیچ سطح

فوتبال ایران روی هم گذاشته شده تا تیم ملی ایران به چنین موقعیتی برسد. روزهای سختی در انتظار تیم ملی است و این تیم از هر جهت که فکرش را بکشد، تضعیف شده است. تصمیم های عجیب و غریب و

انتخاب سرمربی تیم ملی موجب شده تا در دو سال اخیر این تیم هویت جدیدی بعد از کی روش برای خودش نسازد و وضعیت همچنان در موقعیت آزمون و خطاست. در فدراسیون فوتبال هم که سیاسی کاری و

اتفاقات فاجعه بار یکی، دو سال اخیر موجب شده تا این تیم از حمایت لازم برخوردار نباشد. کمابست که تا چند ماهی است که فدراسیون رئیس و سازوکاری پیدا

کرده است. انتخاب هایی چون مجتبی خورشیدی هم مزید بر علت شده تا امید ها برای تیم ملی کم رنگ و کم رنگ تر شود. روزهای سختی در بحرین در انتظار

تیم ملی است و به نظر می آید آنها چندان مجهز به دیدار رقبایشان نمی روند.

